



**The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic Law The 17 rd.
Year/NO:2 Summer 2024**

**Civil liability arising from contract termination in Iranian law and international sales
and the principles of international contracts**

Sayed Sadat Alavi¹

Bakhtiar Abbaslou²

Mohammad Bahmani³

Received date: 2023/10/4
Acceptance date: 2023/11/11

Today, businessmen in their international transactions often use the sales contract, which is sometimes violated by one of the parties, and they must use compensation methods in different systems of the world to compensate for the damage. In this regard, the compensation of contractual damages has been fully accepted in most legal systems and international documents, which include the principles of European contracts and the principles of international commercial contracts, as well as the Convention on the International Sale of Goods, but in Iran, it is still based on domestic legal rules when it is necessary to use that this has caused legal challenges in this regard. In case of termination of the contract, the parties to the contract are required to return the change and in some cases it is possible to claim damages. Therefore, the findings of the present study showed that in Iranian law, termination will not have a retroactive effect, while in the convention, the effect of termination also extends to the past and Also, in the Convention on the International Sale of Goods and the principles of international contracts, basically, the implementation of the right of cancellation depends on the possibility of returning the goods, but this is not the case in Iranian law. In addition, the conditions and obligations in both legal systems are stable after the termination and the damage caused by the termination can also be claimed under certain conditions.

¹ . PhD student, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

^۲ . Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Responsible Author)

³ . Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

مسئولیت مدنی ناشی از فسخ قرارداد در حقوق ایران و بیع بین الملل و اصول قراردادهای بین المللی

سیده سادات علوی^۱ بختیار عباسلو^۲ محمد بهمنی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۰

چکیده

امروزه تجار در مبادلات بین المللی خود اغلب از عقد بیع استفاده می نمایند که گاهی از سوی یکی از طرفین نقض می گردد و به ناچار برای جبران خسارت بایستی از روش های جبران در نظام های مختلف دنیا بهره برد. در این راستا جبران خسارات قراردادی به صورت کامل در اغلب سیستم های حقوقی و اسناد بین المللی که شامل اصول قراردادهای اروپایی و اصول قراردادهای تجارتی بین المللی و همین طور کنوانسیون بیع بین المللی کالا می باشد مورد پذیرش قرار گرفته است، ولی در ایران همچنان از قواعد حقوقی موضوعه داخلی در مواقع لزوم استفاده می شود که این امر موجب چالش های حقوقی در این خصوص شده است. در صورت فسخ قرارداد، طرفین عقد ملزم به استرداد عوضین بوده و در برخی موارد امکان مطالبه خسارت نیز وجود دارد. بنابراین یافته های پژوهش حاضر نشان داد در حقوق ایران فسخ اثر قهقرایی نخواهد داشت در حالی که در کنوانسیون اثر فسخ به گذشته نیز سرایت می نماید و همچنین در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و اصول قراردادهای بین المللی، اساساً اجرای حق فسخ منوط به امکان اعاده کالا می باشد لیکن در حقوق ایران چنین نیست. مضافاً آنکه شروط و تعهدات تبعی در هر دو نظام حقوقی پس از فسخ از پایداری برخوردارند و خسارت ناشی از فسخ نیز تحت شرایطی قابل مطالبه می باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، فسخ قرارداد، خیارات، انفساخ، کنوانسیون بیع بین المللی کالا

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

متعاقدين در انعقاد قرارداد اغراض و انگیزه های متفاوتی را دنبال می کنند اما مهم ترین آنها در بدو امر اجرای تعهدات موجود در آنها از جانب هر یک از طرفین است چرا که اگر طرفین در حین انعقاد قرارداد مطمئن باشند که قرارداد اجرا نخواهد شد اصلاً اقدام به انعقاد قرارداد نمی کنند چرا که کاری بیهوده است به خاطر موارد فوق در اکثر نظام های حقوقی اهمیت بیشتری به اجرای قرارداد داده شده است که نتیجه آن سخت گیری در اعطای حق فسخ به متعهدله در صورت نقض تعهد است. در اکثر قراردادهای معوض مانند بیع، طرفین قرارداد تعهدات متقابلی نسبت به یکدیگر دارند که ممکن است هر یک از متعاقدين به تعهد قراردادی خود عمل ننماید یا اینکه به خاطر حادث شدن حوادث قهریه، بقاء قرارداد با مشکلاتی روبه رو گردد که در این شرایط الزامی بودن درخواست اجبار به اجرای عین تعهد همیشه در راستای منافع متعهدله نیست و بعضی مواقع اعطای حق فسخ منافع وی را بیشتر تامین می کند. همچنین در اکثر نظام های حقوقی دنیا و اسناد بین المللی، بعد از سپری شدن زمان انجام تعهد و حتی تحت شرایطی قبل از سررسید امکان فسخ قرارداد وجود دارد. در موارد (۷-۳-۳) و (۷-۳-۴) اصول قراردادهای تجاری بین المللی حق فسخ قرارداد به دلیل منقضی شدن زمان انجام تعهد و حتی تحت شرایطی قبل از موعد انجام تعهد پیش بینی گردیده است. در این مواد، زیان دیده می تواند بعد از سپری شدن زمان انجام تعهد در صورتی که نقض اساسی باشد و این نقض هم به دلیل تقصیر متعهد باشد، قرارداد را فسخ کند. به طور کلی در اسناد بین المللی از جمله اصول یونیدروا در دو حالت امکان فسخ قرارداد وجود دارد. بنابراین ابتدایی ترین حالت جبران خسارت در خصوص جبران خسارات وارده به اشخاص، اعاده وضع به حالت سابق می باشد، بنابراین بعد از جلوگیری از ایجاد ضرر و خسارت در آینده، بایستی ضررهای گذشته نیز ترمیم گردد. در حقوق ایران دیدگاهی وجود دارد که بیانگر این است که اصل جبران خسارت مستند صریحی در متون قانونی و فقهی ندارد و نتیجه تئوری پردازی حقوقدانان می باشد، با اینکه پذیرش نظریه فوق منافاتی با مبانی قانونی و فقهی ندارد؛ ضرورت و مطلوبیتی نیز برای آن قابل تصور نیست و قابلیت جبران خسارت را بایستی با توجه به عوامل اساسی و بنیادی همچون زمینه محدوده و مبنای مسئولیت و نحوه ورود زیان تعیین و مشخص نمود (بابایی، ۱۳۹۴: ۹۰). با این حال در راستای انعقاد قراردادها و در موارد لزوم جهت اعمال فسخ و جبران خسارات قراردادی، پیدایش و تنوع قواعد و مقررات مختلف حقوقی در کشورهای مختلف و نداشتن احاطه به تمامی آنها، موانع جدی در ایجاد ارتباط سریع همراه با اطمینان خاطر اتباع این کشورها با یکدیگر را ایجاد می نماید (امینی، ۱۳۹۲: ۲۴).

این مسئله باعث شد تا امروزه جهت توسعه و رشد تجارت بین المللی، یکسان سازی و هماهنگ سازی حقوق خصوصاً در قراردادها اسنادی تدوین و اجرا گردد تدوین اسنادی همچون کنوانسیون بیع بین المللی کالا، اصول قراردادهای اروپا و اصول قراردادهای تجاری بین المللی همگان نتیجه تلاش برای هماهنگ سازی می باشد که تجار بتوانند برای کسب موفقیت در عرصه تجارت بین المللی، قراردادهای کم خطری را منعقد نمایند که با تنوع قوانین و مقررات در نظام های مختلف حقوقی و عدم تسلط کافی بر همه آنها، پیش بینی تعهدات حقوق ناشی از قراردادها تنها در سایه قواعد یکسان بین المللی قابل تحقق می باشد (شعاریان، رحیمی، ۱۳۹۳: ۴۸).

لذا پژوهش حاضر ضمن واکاوی قواعد حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی و جبران خسارت ناشی از فسخ قراردادها به دنبال تطبیق مواضع حقوق ایران با اسناد بین المللی در این امر می باشد و به دنبال مسئولیت مدنی ناشی از فسخ قرارداد در حقوق ایران و بیع بین الملل و اصول قراردادهای بین المللی می باشد.

فسخ قرارداد در حقوق ایران، اسناد بین المللی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا

فسخ قانونی (خيارات ناشی از حکم)

حق فسخ نیز یکی دیگر از واکنش‌هایی است که کم و بیش در نظام‌های مختلف در اختیار متعهدله قرار گرفته است تا در مقابل متعهد عهده‌شکن به آنها متوسل شود. در حقوق کشورمان مواردی که ممکن است یک طرف قرارداد نسبت به فسخ آن مبادرت نماید، خیار نامیده شده است. اگرچه خیارهای موجود در قانون مدنی متعدد است اما هیچ یک متضمن قاعده عمومی واحدی برای فسخ قرارداد در صورت عدم انجام تعهد نمی‌باشند (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۴۳). به نظر می‌رسد به اختصار می‌توان خیارهای موجود در قانون مدنی را بدین ترتیب به سه دسته کلی تقسیم نمود:

(الف) خیارهایی که هدف آنها تعدیل جنبه الزام آور بودن قرارداد است. (خیار مجلس و حیوان)

(ب) خیارهایی که ریشه قراردادی دارند. (خیار شرط)

(ج) خیارهایی که از باب جبران خسارت و قاعده لاضرر مورد پیش بینی قرار گرفته‌اند (مابقی خیارها)، از دسته اخیر به نظر می‌رسد پاره‌ای را می‌توان به منزله واکنشی در مقابل نواقص و ایراداتی که در نفس انعقاد قرارداد وجود دارد نظیر خیار غبن، رویت و تبعض صفقه، محسوب نمود و تعدادی دیگر نیز نوعی واکنش در مقابل نقض تعهدات فرعی و یا ضمنی قراردادی می‌باشند. مثل خیار تخلف از شرط و عیب و بعضی دیگر نیز که واکنش در مقابل عدم انجام تعهدات اصلی است در موارد خاص و استثنائی کاربرد دارد مثل خیار تاخیر ثمن و خیار تفلیس (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۵۲). بنابراین در قانون مدنی از حق فسخ به عنوان یک ضمانت اجرای عام برای نقض عهد نام برده نشده است. با وجود این عده‌ای از حقوق دانان با استفاده از ملاک ماده ۲۳۹ ق.م. در مورد تخلف از شرط فعل و ماده ۴۷۶ ق.م. در خصوص اجاره، استنباط نموده‌اند که به طور کلی هرگاه متعهد به تعهد خود عمل نکند و اجبار او به انجام تعهد هم میسر نباشد، متعهد می‌تواند نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید (همان: ۲۶۴).

یادآور می‌شویم که علاوه بر تدابیری که قانون برای اجبار اطراف قرارداد به انجام تعهداتشان در نظر گرفته است، طرفین نیز می‌توانند در قرارداد خود شروطی را درج نمایند که بر مبنای آن در اثر خودداری یک طرف، آثاری به نفع طرف دیگر به وجود آید. از مهمترین این شروط می‌توان به شرط «وجه التزام»^۱ اشاره نمود. این شرط به منزله پشتوانه‌ای محکم برای اجرای تعهدات به شمار می‌رود و بر اساس آن در صورت تاخیر در اجرای تعهد، مبلغ معینی پیش بینی می‌شود که باید به عنوان خسارت پرداخته شود. به عنوان مثال اگر بایع در تسلیم مبیع تأخیر نماید، مکلف می‌گردد به ازای هر روز تاخیر مبلغ خاصی را به عنوان خسارت عدم انجام تعهد در موعد مقرر به خریدار بپردازد. چنانکه ماده ۲۳۰ ق.م. مقرر داشته است: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم نماید.»

یادآوری این مهم ضرورت دارد که ضمانت اجرای قانونی و قراردادی را نمی‌توان مجموعه‌ای بدون ارتباط و منقطع دانست. چرا که از یک طرف به طور معمول مقررات مربوط به ضمانت اجرای قانونی در جرگه مقررات آمره داخل نمی‌گردد و اطراف قرارداد می‌توانند حسب مورد نسبت به اسقاط پاره‌ای از آنها یا ایجاد تغییر در کیفیت و شرایط اجرای آنها بپردازند و از طرف دیگر برخی از ضمانت اجراها که در مقطعی از زمان از جمله ضمانت اجرای قراردادی بوده و قانون گذاران اعمال

آنها را مفید ارزیابی نموده اند، با هدف کارآمد ساختن نظام قانونی از یک طرف و تضمین انجام تعهدات قراردادی، از طرف دیگر، نسبت به تدوین، تنفیح و به کار گرفتن ضمانت اجراهای مزبور در نظام حقوقی اقدام نموده اند.

فسخ توافقی (خيار شرط)

به موجب مواد (الف) ۴۹ و (الف) ۶۴ هر گاه نقض عهد فروشنده یا خریدار، «اساسی» باشد، طرف مقابل حق فسخ خواهد داشت. اگر نقض عهد اساسی نباشد، متعهدله زمانی می تواند قرارداد را فسخ نماید که فرصت اضافه و معقولی برای انجام تعهد تعیین و اعلام نماید. هر گاه متعهد در ظرف مهلت تعیین شده به تعهدات خود عمل نکند و یا اعلام نماید که به تعهد خود عمل نخواهد نمود، متعهدله حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. (مواد ب ۴۹ و ب ۶۴ ک). مشابه حقوق کشورمان در کنوانسیون وین مطابق مواد ۷۱ و ۷۳ ک. حق فسخ قرارداد ممکن است نسبت به جزء قرارداد نیز تحقق یابد (میرزاانژاد جویباری، ۱۳۹۲: ۸۷).

همان طور که ملاحظه می شود در دو ماده فوق برای فسخ قرارداد لازم است قرارداد به طور اساسی نقض شده باشد. در واقع زیانندیده باید زمانی به دنبال فسخ قرارداد باشد که در نتیجه نقض اساسی به طور عمده از آنچه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته محروم شود و طرق جبران دیگری مثل تقلیل ثمن و یا مطالبه خسارت منافع او را تامین نکند. در بعضی از شرایط تنها ضمانت اجرایی که واقعاً منافع زیانندیده را تامین می کند، فسخ قرارداد است. به عنوان مثال، وقتی که اجرا با هدف زیانندیده از انجام معامله منافات داشته باشد یا تاخیر در اجرا به حدی باشد که منفعت زیانندیده از بین برود، یا مرتکب نقض ورشکست شده باشد و در نتیجه نتواند به تعهدات خویش عمل کند و از عهده خسارت برآید. بنابراین در این شرایط فسخ فوری این امکان را برای زیانندیده فراهم می کند که بتواند با بازفروش یا بازخرید کالای موضوع قرارداد خسارت بیشتری متحمل نشود و نگرانی نسبت به این وضعیت زیانبار را که بالاخره نقض کننده تعهد خود را ایفا می کند یا نه، از خود دور کند. زیانندیده می تواند در صورت نقض اساسی قرارداد را فسخ کند چه نقض اساسی موجه باشد و یا ناموجه. طبق ماده (۵) ۷۹ کنوانسیون بیع بین المللی کالا زیانندیده حتی در صورتی که قصور در ایفای تعهد به علت مانع خارجی بوده باشد که در زمان انعقاد قرارداد به طور معقول و متعارف برای نقض کننده قابل انتظار نبوده است، می تواند قرارداد را فسخ کند (ثمره، محمدی، ۱۳۹۶: ۶۵).

مصادیق تقصیر در فسخ قانونی در حقوق ایران و اصول قراردادها

استثنایی بودن فسخ قرارداد به عنوان یکی از روش های جبران خسارت به نحو سختگیرانه تری مورد توجه تدوین کنندگان کنوانسیون بیع بین المللی کالا قرار گرفته است به نحوی که حتی امکان الزام بایع به دادن کالای جانشین یا اصلاح و رفع نقص مبیع را به عنوان اجرای اجباری قرارداد مقدم بر ضمانت اجرای فسخ شناخته اند.

کلمه (avoid) که در قانون متحد الشکل بیع بین المللی ۱۹۶۴ (ULIS) و بعداً در کنوانسیون ۱۹۸۰ به کار گرفته شده در فرهنگ های انگلیسی به معنی اجتناب کردن، الغا کردن، فرار کردن از تعهد (رضوانی نوری، ۱۳۹۳: ۴۰۱) آمده است و دارای مفهوم عامی است که نمی توان گفت که آیا منظور از کاربرد این کلمه ابطال قرارداد است یا فسخ و یا انفساخ آن. هر چند عده ای از حقوقدانان این واژه را به معنی فسخ و عده ای دیگر به معنی ابطال (سماواتی، ۱۳۷۷: ۷۰) ترجمه کرده اند. ولی با این وجود، واژه avoid را نباید الزاماً به معنی فسخ یا ابطال یا انفساخ دانست. چون در کنوانسیون بیع بین المللی کالا سعی شده است از

مسئولیت مدنی ناشی از فسخ قرارداد در حقوق ایران و ...

عباسلو و همکاران

حقوق هیچ یک از کشورها تبعیت نشود و همچنان که در مقدمه کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا آمده است؛ چنان که در متن کنوانسیون کلمه‌ای به کار رود که از لحاظ حقوقی منطبق با حقوق یکی از کشورها باشد، الزاما به معنی و مفهوم آن نیست. بنابراین باید توجه کرد که واژه مذکور در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مفهوم عام به کار رفته و حسب مورد می‌تواند به معنی فسخ یا ابطال مورد استعمال قرار گیرد (بانل، ۲۰۱۷: ۷۴).

قانون متحدالشکل بیع بین‌المللی ۱۹۶۴ (ULIS) دو نوع فسخ قرارداد را پیش‌بینی کرده بود، یکی فسخ اتوماتیک و خود به خود (انفساخ و دیگری نوع خاصی از فسخ که با اعلام فسخ صورت می‌گرفت (فسخ)، همچنین در هر مورد نقض تعهدی صورت می‌گرفت، هر چند اساسی نبود مشتری می‌توانست با اعطای مهلت به فروشنده برای اجرای تعهد و انقضای آن، قرارداد را فسخ کند. این وضع در کنوانسیون وین ۱۹۸۰ به این شکل تغییر یافت اولاً، موارد انفساخ قرارداد حذف شد و تنها فسخ قرارداد پیش‌بینی گردید (ماده ۴۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا).

ثانیاً، قلمرو و دامنه فسخ قرارداد محدود شد. بدین صورت که در اغلب موارد درخواست فسخ قرارداد باید به دنبال نقض اساسی قرارداد صورت گیرد. در مورد عدم تسلیم مبیع از طرف فروشنده مشتری می‌تواند به وی مهلت دهد (بند ماده ۴۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا) و با انقضای آن، قرارداد را فسخ کند، اگر چه نقض اساسی محقق نشده باشد. اما در سایر موارد نقض تعهد، فسخ قرارداد با اعطای مهلت ممکن نیست. از این رو، با توجه به این که هدف، بررسی ضمانت‌اجراهای عدم مطابقت مبیع است لیکن سایر مواردی که منجر به اعمال ضمانت اجرای فسخ می‌شود مانند عدم تسلیم مبیع، مهلت اضافی که از طرف مشتری برای فروشنده تعیین شده است (ماده ۴۷(۱) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا خارج از بحث می‌باشد (اسلن، ۲۰۱۲: ۷۸).

الف) نقض اساسی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در ماده ۲۵، نقض اساسی را چنین تعریف می‌نماید: «نقض قرارداد توسط یکی از اصحاب دعوی هنگامی اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود آنچنان خسارتی به طرف دیگر شود که به‌طور عمده‌ای او را از آنچه استحقاق انتظار آن به موجب قرارداد داشته است محروم نماید. مگر این که طرفی که مبادرت به نقض قرارداد نموده است چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در اوضاع و احوال مشابه، نمی‌توانسته است آن امر را پیش‌بینی کند». (لاندو، ۲۰۱۹: ۱۰).

با وجود این که نقض اساسی در ماده مذکور تعریف شده ولی طرفین قرارداد می‌توانند مطابق ماده ۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، از اعمال ماده ۲۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. صرف‌نظر کنند و یا مواردی را که از نظر خود آنان نقض اساسی محسوب می‌شود، بر اساس ماده الف(۱) ۴۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. دقیقاً معین نمایند. به نظر می‌رسد عملاً نیز راه حل اخیر، اقرب به صواب باشد چرا که ماده ۲۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. تعریف کلی و مبهم از نقض اساسی ارائه کرده است و در عمل نیز اثبات چنین نقضی مشکل است صرف نظر از موارد قراردادی نقض اساسی، با توجه به ماده ۲۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. هنگامی نقض یک قرارداد اساسی تلقی می‌شود که اولاً، خسارت عمده‌ای به طرف قرارداد وارد شود؛ به‌طوری که او را از آنچه استحقاق انتظار آن را داشته باشد، محروم نماید و امکان ترمیم آن وجود نداشته باشد و یا اگر امکان داشته باشد به جهت منحصر بودن مطلوبیت آن نسبت به متعهدله دیگر برای وی غیر قابل قبول باشد (۲) ۶۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا). ثانیاً، وقوع این ضرر از ناحیه نقض کننده قابل پیش‌بینی باشد (فخرآبادی، سربازیان اسفندآبادی، ۱۳۹۹: ۱۴۰).

ب) نقض جزئی در کنوانسیون

ممکن است نقض قرارداد مربوط به شرایط اساسی مقرر در قرارداد نباشد و نقضی باشد که لطمه‌ای به اساس قرارداد نزند ولی با این حال، انتظاری که طرفین قرارداد از توافق به عمل آمده، داشته‌اند با نتیجه موجود فرق داشته باشد البته این تفاوت تاثیر مهمی به تراضی طرفین نکرده باشد.

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، نص صریحی در خصوص شناساندن «نقض جزئی» قرارداد وجود ندارد ولی می‌توان از توجه به مفهوم نقض اساسی، مفهوم نقض جزئی را تا حدودی به دست آورد، به این نحو که نقض زمانی اساسی محسوب می‌گردد که به هیچ نحو نتوان از طرف متضرر از نقض، جبران خسارت کرد و به ناچار جهت رهایی از ضرر قرارداد فسخ می‌گردد، بنابراین هرگاه بتوان در صورت نقض قرارداد، با توسل به راه‌هایی به جز فسخ، از ورود ضرر جلوگیری کرد، نقض جزئی است. هر چند این راه حل‌ها با توافق طرفین صورت گیرد (ماده ۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا).

از مذاقه در مقررات راجع به جبران خسارت می‌توان چنین مفهومی را فهمید. مثلاً عدم تسلیم کالا، مطابق ماده ۴۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، نقض اساسی می‌باشد. ولی با این حال در فرض تأخیر تسلیم در صورتی که مطابق کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و یا قرارداد، نقض اساسی محسوب نشود، رفع ضرر از خریدار با تسلیم کالای جانشین یا همان کالا با تمدید مهلت تسلیم، صورت گیرد (ماده ۴۹(۲) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا).

همچنین ممکن است در صورتی که، کالا منطبق با قرارداد نباشد ولی بتوان عدم انطباق کالا را با تعمیر کالا جبران کرد، در این صورت نقض جزئی بوده و در صورتی که درخواست تعمیر کالا با توجه اوضاع و احوال غیرمعقول نباشد، خریدار می‌تواند آن را بخواهد (ماده ۶۶(۳) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا).

مثلاً، خریدار ۳۰۰ عدد کولر سفارش می‌دهد و فروشنده حسب درخواست خریدار کولرها را به وی ارسال می‌دارد خریدار پس از قبض کولرها متوجه می‌شود که ۵ عدد از آنها نقص فنی پیدا نموده با توجه به این که برحسب توافقات به عمل آمده نقصی که در کولرها ایجاد شده یک نقض تعهد است ولی نقضی نیست که غیر قابل جبران باشد و خریدار می‌تواند از فروشنده ظرف مهلت معقولی بخواهد که نسبت به تعمیر آنها اقدام کند، بنابراین نقض جزئی محسوب می‌شود (ثمره، محمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

شرایط تحقق حق فسخ ناشی از عدم مطابقت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

چنانچه گفته شد، اصل لزوم قراردادها ایجاب می‌کند که تا جایی که امکان رفع ضرر از طرف قرارداد، از راه‌هایی غیر از برهم زدن قرارداد، وجود دارد، قرارداد محترم شمرده شود. ولی زمانی که اجتناب از ضرر ناروا و غیرقابل جبران (نقص اساسی) لزوم برهم زدن قرارداد را توجیه نماید در این صورت است که فسخ قرارداد یک حق تلقی می‌گردد. بنابراین در صورتی که کالای تسلیم شده مطابق با قرارداد نباشد، به شرط این که عدم مطابقت، نقض اساسی به شمار آید. مشتری حق فسخ قرارداد را دارد (ماده (الف) ۴۹(۱) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا).

علاوه بر این کنوانسیون، امکان اعمال فسخ توسط مشتری را به دلیل عدم مطابقت به شرایط دیگر نیز مشروط نموده: (چانگوی، ۲۰۱۳: ۱۲۵)

اولاً، مشتری باید ظرف مدت متعارفی پس از این که عدم انطباق کالا را کشف کرد یا می‌باید کشف می‌کرد، یادداشتی حاکی از تعیین نوع عدم انطباق به بایع ارسال کند (ماده ۳۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا) ثانیاً، امکان اعاده کالا عمدتاً به همان وضعیتی که مشتری آن را دریافت داشته مقدور باشد (ماده ۸۲(۱) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا) ثالثاً، خواه کالا پیش از موعد مقرر تسلیم

شود یا در سر رسید و حتی پس از موعد تسلیم، و مطابق با قرارداد نباشد، امکان ترمیم یا جبران هر گونه نقص یا تعویض کالا وجود نداشته باشد (ماده ۴۸ و ۳۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا).

در مورد شرط اخیر باید گفته شود که هرگاه عدم مطابقت اساسی و جدی بوده ولی کالا قابل اصلاح و ترمیم باشد مشتری حق فسخ نخواهد داشت. با این حال در موارد زیر علیرغم این که امکان اصلاح عدم مطابقت وجود دارد ولی مشتری فوراً حق فسخ دارد:

۱- رفع نقص سبب تحمیل زحمت نامتعارف و غیر معقول به خریدار شده باشد و باعث عدم اعتماد مشتری نسبت به بازپرداخت هزینه‌هایی که مشتری به صورت پیش پرداخت انجام داده است شود (ماده (۱) ۴۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا).

۲- «در مواردی که از طرف فروشنده انصراف قطعی نسبت به اصلاح یا رفع نقص مبیع اعلام شود»

۳- «هرگاه تاریخ ایفای تعهد به تسلیم توسط بایع برای خریدار حائز اهمیت باشد (وحدت مطلوب) و بایع در این تاریخ کالای غیر منطبق با قرارداد را تسلیم کند در این صورت اگر عدم انطباق اساسی باشد، مشتری حق فسخ دارد» (صفایی، ۱۳۹۷: ۲۵۵). نظام حقوقی ایران نیز در خصوص استثنایی بودن فسخ به عنوان یکی از روش‌های جبران خسارت با کنوانسیون و بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا، هماهنگ است هر چند که تفاوت‌هایی نیز با آن‌ها دارد.

در صورت نقض تعهد از ناحیه یکی از طرفین قرارداد، باید ابتدا اجرای عین قرارداد خواسته شود و در صورتی که تعهد به شرط مباشرت نباشد، به خرج ملتزم موجبات انجام تعهد توسط شخص دیگری درخواست می‌شود و هرگاه این امکان نیز وجود نداشته باشد به ناچار باید حق فسخ قرارداد را به متعهدله داد، ولی ناگفته نماند، در برخی موارد استثنایی نیز حق فسخ قرارداد فوراً برای متعهدله ایجاد می‌گردد (مانند مواد ۳۷۹ و ۴۰۲ و ۴۹۶ ق.م.ا). از طرفی در حقوق ایران نیز مانند کنوانسیون فسخ قرارداد نیازمند حکم دادگاه نبوده و به صرف اعلام اراده صاحب حق واقع می‌شود و حکم دادگاه تنها جنبه اعلامی دارد (ماده ۴۴۹ ق.م.ا).

با این وجود در نظام حقوقی ایران، جهت احراز حق فسخ قاعده نقض اساسی قرارداد وجود ندارد و در موردی که حق فسخ مطابق قانون برای یک طرف قرارداد ایجاد می‌شود، تفاوتی بین نقض اساسی و جزئی وجود ندارد. ماده ۳۹۶ قانون مدنی با ذکر انواع اختیارات مواردی را که طرفین قرارداد می‌توانند در صورت تخلف طرف دیگر آن‌ها را اعمال کنند و یک جانبه عقد را بر هم زنند، می‌شمارد. از میان این اختیارات، اختیاراتی را که می‌توان به علت عدم انطباق مبیع با قرارداد به جهتی از جهات از آن‌ها استفاده نمود به قرار ذیل بوده که بررسی تفصیلی آن‌ها خارج از حوصله این بحث می‌باشد: ۱- خیار تخلف از شرط. ۲- خیار رویت و تخلف از وصف. ۳- خیار عیب. ۴- خیار تدلیس. ۵- خیار تبعض صفقه.

شاید بتوان دلیل این تفاوت را در مبنای خیار فسخ در دو نظام حقوقی جستجو کرد به این توضیح، که در کنوانسیون اختیار فسخ زمانی برای طرف، به وجود می‌آید که نقض اساسی می‌باشد و فسخ برای ممانعت از ورود آنچنان خسارتی است که در اثر محروم ماندن طرف قرارداد از آنچه به موجب قرارداد انتظار داشته عاید او گردد، پیش بینی شده است. به عبارت دیگر فسخ برای دفع یا رفع ضرر است (قاعده لاضرر). در صورتی که به نظر می‌رسد در حقوق ایران، غالباً خیار بر مبنای احترام به مفاد تراضی اصل حاکمیت اراده بنا نهاده شده باشد. لذا، نیازی ندارد که از نقض تعهد (اعم از نقض اساسی یا جزئی) خسارتی حاصل شود. بلکه به محض نقض تراضی در موارد مصرح قانونی به دلیل نقض شرایط ضمنی مانند (شرط سلامت، شرط صحت، حسن نیت و...) طرف متضرر حق فسخ پیدا می‌کند (شعاریان، ۱۳۹۸: ۸۷).

مصادیق تقصیر در فسخ توافقی**امتناع از انجام تعهد**

امتناع و خودداری متعهد از انجام و اجرای تعهد و به‌طور کلی نقض تعهد ممکن است به صورت ارادی خواه به صورت جزئی یا کلی، محقق گردد یا آن که خارج از اراده و اختیار متعهد بوده و لذا عدم انجام تعهد به واسطه دخالت اسباب و شرایط خارجی صورت گرفته باشد.

الف) امتناع ارادی از انجام کل تعهد

متعهد ممکن است به طور اختیاری از انجام و ایفای کل تعهدی که به عهده دارد خودداری نماید و این امتناع ممکن است به طرق مختلف برای متعهد له ثابت شود اعم از آنکه متعهد به انجام مختلف به صورت کتبی مانند ارسال اظهارنامه یا شفاهی و ... موضوع را به اطلاع متعهد له برساند یا اینکه متعهدله به شیوه های مختلفی از قصد متعهد نسبت به عدم انجام تعهد آگاه شود. در هر حال برای اطلاع از عدم انجام تعهد، شیوه و شکل خاصی وجود ندارد و متعهد له ممکن است به هر طریقی از موضوع مطلع شود. قانونگذار جهت حفظ نظام معاملاتی موجود در بین مردم و با عنایت ویژه به آیه مبارکه اوفو العقود و حدیث شریفه المومنون عند شروطهم اصل را در مورد عقود و قراردادهای منعقد بر لزوم گذاشته است، مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن به اثبات برسد اهتمام قانونگذار به تعیین و تبیین اصل لزوم جهت صیانت از قرارداد و اجرای مفاد آن می باشد؛ لذا آن هنگام که یکی از طرفین به صراحت یا به صورت ضمنی اعلام می نماید که دیگر تمایلی به تداوم رابطه قراردادی ندارد مسلم است که بایستی در قبال چنین کنشی واکنش متناسب با آن انجام پذیرد، چه در غیر اینصورت جز جری شدن افراد خاطی و متضرر گردیدن افراد بی تقصیر و در نتیجه مختل شدن نظام معاملاتی و اقتصادی نتیجه ای به بار نخواهد آمد (امامی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). اگرچه در حال حاضر قانون مدنی کشورمان در خصوص امتناع متعهد از انجام تعهدات اصلی قرارداد متضمن حکمی نمی باشد؛ با این حال مقنن در مبحث شروط ضمن عقد موضوع را در مورد شروط و تعهدات مندرج در زمان قرارداد بررسی نموده و ضمانت اجرای تخلف از مفاد آن را مورد پیش بینی قرار داده است با عنایت به اینکه شروع در قیاس با تعهدات اصلی عقد جنبه فرعی دارند بنابراین قاعده قابل اعمال در شروط ضمن عقد را به طریق اولی می توان در خصوص امتناع ارادی از مفاد اصلی قرارداد نیز ساری و جاری دانست لذا در صورت امتناع متعهد از انجام تعهداتش برابر قاعده مذکور با او رفتار می گردد چنان که در این خصوص ماده ۲۳۹ ق.م.م.م. مقرر داشته است: هرگاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت. با توجه به مفاد ماده یاد شده ضمانت اجرای مورد نظر در مورد تخلف متعهد از انجام تعهد دارای سه مرحله خواهد بود. در مرحله اول - متعهد ممتنع به انجام تعهد ملزم می شود، اگر نتیجه نداد در مرحله دوم - تعهد موضوع قرارداد به هزینه متعهد و توسط اشخاص ثالث انجام خواهد شد و اگر سلسله اقدامات مذکور هم مثمر ثمر واقع نگردید در نهایت و در مرحله سوم - فسخ قرارداد به عنوان آخرین راه حل مطرح می گردد (بیات، ۱۳۹۶: ۶۰).

ب) امتناع ارادی از انجام جزئی از تعهد

متعهد ممکن است در ایفای تعهداتش دچار قصور و کوتاهی شده و لذا سبب نقض قرارداد گردد که این نقض می تواند به اشکال مختلفی تحقق یابد:

عدم اجرای بخشی از قرارداد: خودداری از اجرای قرارداد ممکن است مربوط به قسمتی از آن باشد چنانکه متعهد در انجام تعهدش تنها در یک قسمت کوتاهی نموده باشد که البته در چنین شرایطی متعهد له می‌تواند از پذیرش بخشی از موضوع تعهد خودداری نماید چنانچه ماده ۲۲۷ ق.م. در این خصوص مقرر داشته است: متعهد نمی‌تواند متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد. البته این در صورتی است که موضوع تعهد تجزیه پذیر باشد و مسلم است که مسئولیت متعهد در خصوص قسمتی که اجرا شده است منتفی گردیده و نسبت به قسمتی که اجرا نشده و همچنان باقی است لیکن در صورتی که تعهد قابل تجزیه نباشد و متعهد از اجرای قسمتی از آن خودداری نماید و قصور او به منزله امتناع از اجرای تمام تعهد محسوب می‌گردد و ضمانت اجرای لازم جهت مقابله با متعهد همان قاعده مندرج در ماده ۲۳۹ ق.م. می‌باشد (داراب پور، ۱۳۹۴: ۴۰۱).

اجرای ناقص و معیوب قرارداد: در این حالت متعهد، تعهد موضوع قرارداد را به انجام رسانده است لیکن تعهد انجام شده از نظر کیفی با مفاد قرارداد مطابقت نداشته و لذا مطلوب متعهدله نمی‌باشد به عنوان مثال پیمانکار ساختمان بنای مورد تعهد را مطابق نقشه ولی با مصالح نامرغوب احداث می‌نماید. یا نقاش و ترمیم کننده ای قطعه تصادف کرده ماشین را رنگ می‌نماید لیکن قسمت رنگ شده با سایر اجزای بدنه اتومبیل متفاوت است در این گونه موارد اجرای نادرست و معیوب قرارداد در حکم عدم اجرای عقد به حساب آمده و لذا متعهد مسئول جبران خسارت متعهد له می‌گردد لیکن هرگاه کیفیت مطلوب تعهد با صرف هزینه ای نه چندان گزاف قابل تامین باشد نمی‌توان متعهد را به خسارت خودداری از انجام تمام تعهد محکوم نمود و لذا مسئولیت او به نسبت زیانی که به طلبکار وارد گردیده است تعدیل می‌گردد. هر چند برابر قانون انجام ناقص قرارداد از موجبات فسخ آن می‌باشد ولی به نظر می‌رسد از آنجایی که در فرض مذکور قرارداد انجام شده و تنها در نحوه اجرای توأم با نواقصی مواجه گردیده که از طریق جبران خسارت قابل ترمیم از فسخ قرارداد موضوعیت خود را از دست می‌دهد؛ لیکن در صورتی که اجرای ناقص قرارداد در حکم و به منزله عدم اجرای کامل آن تلقی شود و جبران خسارت نیز کفایت نماید در آن صورت مطابق قاعده مورد قبول و پذیرش در مورد تخلف از شروط ضمن عقد با متعهد رفتار می‌گردد (شعاریان، ۱۳۹۳: ۳۲).

ج) تاخیر در اجرای قرارداد: تاخیر در اجرای قرارداد وقتی محقق می‌شود که موعدی برای اجرای تعهدات معین شده باشد. موعد یا به وسیله تصریح در قرارداد مشخص می‌گردد و یا اینکه اختیار انجام تعهد به عهده متعهدله گذاشته شده است که در آن صورت متعهد له بایستی ثابت نماید که انجام قرارداد را درخواست نموده و متعهد در موعد مقرر از ایفای آن امتناع نموده است. اگر انجام مفاد تعهد به صورت مطلق باشد، اقتضای قرارداد انجام فوری تعهد را می‌طلبد در هر حال پس از اینکه موعد قرارداد با استفاده از طرق یاد شده مشخص شد و احراز گردید که متعهد موضوع تعهد را با تاخیر به انجام رسانیده است بسته به نوع تعهد ضمانت اجرای آن متفاوت می‌باشد؛ چنانچه انجام مفاد تعهد به صورت وحدت مطلوب منظور نظر تعهدله بوده باشد در آن صورت تاخیر در انجام تعهد خود به منزله عدم اجرای تعهد است؛ زیرا انجام تعهد تنها در همان موعد تعیین شده در قرارداد برای متعهدله ارزش داشته و پس از آن انجام تعهد کمترین ارزشی نخواهد داشت و لذا باید عقد را منحل شده تلقی نمود بنابراین به نظر می‌رسد که بهترین ضمانت اجرا در این مورد جبران خسارت باشد در مقابل چنانچه انجام مفاد تعهد به صورت تعدد مطلوب مورد نظر باشد و متعهد، تعهد مورد نظر را با تاخیر به انجام رسانده باشد متعهد تخلف کرده ولی انجام تعهد تنها خواسته ای بیهوده نبوده بلکه حتی مفید هم بوده است منتها اگر تعهد مزبور در موعد مقرر به انجام می‌رسید مطلوبیت

بیشتری را برای متعهد له فراهم ساخته و خواسته او را تمام و کمال تامین می نمود. نظر به تعهد و موضوع قرارداد در چنین مواردی فسخ که حکمی خلاف اصل (اصل لزوم) می باشد اعمال نخواهد گردید و چنانچه خسارتی از بابت تاخیر در انجام تعهد به متعهدله وارد آمده باشد جبران می گردد (قدیریان، باشکوه، ۱۳۹۹: ۸۷).

عدم امکان انجام تعهد

عدم امکان انجام تعهد یا غیر قابل اجرا شدن قرارداد به صورت زیر محقق می شود:

الف) عقد یا قرارداد از ابتدای غیر قابل انجام بوده است

در این فرض تعهدی یکی از طرفین از همان ابتدا قابل اجرا نبوده است لذا در چنین مواردی عقد یا قرارداد مربوطه باطل می باشد؛ در این ارتباط ماده ۳۴۸ ق.م مقرر می دارد: بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیات و یا منفعت عقلائی ندارد یا چیزی که با بیع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است. مطابق ماده مذکور مورد معامله علاوه بر سایر شرایط مندرج در متن قرارداد باید مقدور التسلیم نیز باشد. در واقع متعهد باید قادر باشد آن را به منتقل الیه یا متعهدله تحویل و تسلیم نماید چه در غیر این صورت معامله مربوطه باطل می باشد. در این حکم تفاوتی میان معامله ای که مورد آن عین مال یا منفعت آن باشد مانند عقد بیع و اجاره اشیا یا حق مالی مانند عمری یا تعهد به ترک عمل وجود ندارد (سماواتی، ۱۳۹۶: ۴۰۱). به هر حال در هر یک از موارد یاد شده اگر تسلیم عین یا منفعت مورد معامله یا مالی که حقی از آن مورد معامله قرار گرفته است برای استیفای حق یاد شده در توان متعهد نباشد آن عقد باطل است همچنان که اگر انجام عمل مورد اجاره اشخاص یا مورد وکالت از قدرت اجیر یا وکیل خارج باشد حکم مذکور در آن موارد نیز اعمال می گردد. همچنین مطابق ماده ۲۶۱ ق.م.م: اگر در بیع عین معین معلوم می شود که مبیع وجود نداشته بیع باطل است. بنابراین هرگاه اجرای تعهد از همان ابتدای عقد غیر ممکن بوده و یا به واقع موضوع تعهد وجود نداشته باشد البته اگر مبیع عین معین و یا در حکم آن باشد عقد یا قرارداد مربوطه نیز باطل می گردد.

ب) عدم امکان تحقق مفاد قرارداد متعاقب انعقاد آن

در این حالت نایستی قائل به بطلان قرارداد گردید، چرا که قرارداد به نحوه صحیح منعقد شده و اجرا نیز مطابق با مفاد قرارداد بوده است لیکن حوادثی که در آن اثنا عارض گردیده مانع تداوم و تحقق مفاد تعهد شده است. همچنین عدم امکان اجرای تعهد ممکن است ناشی از دلایل و اسباب خارجی باشد قابل پیش بینی نبوده و متعهد در حدوث آنها هیچگونه نقشی نداشته است. طبیعت چنین حوادثی به گونه ای است که هیچ کس نمی تواند مانع تحقق آنان گردد به رغم آنکه در قانون مدنی به صراحت قوه قاهره ذکر نگردیده در مواد مختلف این موضوع مورد اشاره قرار گرفته است چنانکه به موجب ماده ۲۲۷ ق.م.م: متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان به او مربوط کرد. در ماده ۲۲۹ همان قانون نیز مقرر شده است: اگر متعهد به واسطه حادثه ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار او است نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به خسارت نخواهد شد. بنابراین چنانچه حوادث مذکور اعم از حوادث خارجی یا حوادث مربوط به شخص متعهد در حین انجام و اجرای قرارداد تحقق یابند و نحوه حدوث آنان نیز به گونه ای باشد که افزون بر از میان برداشتن امکان اجرای قرارداد (اعم از اینکه مورد تعهد از بین رفته باشد یا توان انجام تعهد

از یکی از طرفین به طور کامل سلب گردیده باشد) خارج از اراده افراد بوده و طرفین تعهد در ایجاد آن‌ها دخیل نبوده باشند قرارداد پایان یافته تلقی شده و طرفین از تعهداتی که در قبال یکدیگر داشته اند مبری می گردند (شعاریان، ۱۳۹۶: ۷۱).

مصادیق تقصیر در انفساخ

نظام حقوقی ایران نیز درخصوص استثنایی بودن فسخ به عنوان یکی از روش‌های جبران خسارت با کنوانسیون و بیشتر نظام های حقوقی دنیا، هماهنگ است هر چند که تفاوت‌هایی نیز با آن‌ها دارد. در صورت نقض تعهد از ناحیه یکی از طرفین قرارداد، باید ابتدا اجرای عین قرارداد خواسته شود و در صورتی که تعهد به شرط مباشرت نباشد، به خرج ملتزم موجبات انجام تعهد توسط شخص دیگری درخواست می‌شود و هرگاه این امکان نیز وجود نداشته باشد به ناچار باید حق فسخ قرارداد را به متعهدله داد، ولی ناگفته نماند، در برخی موارد استثنایی نیز حق فسخ قرارداد فوراً برای متعهدله ایجاد می‌گردد (مانند مواد ۳۷۹ و ۴۰۲ و ۴۹۶ ق.م.ا). از طرفی در حقوق ایران نیز مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا فسخ قرارداد نیازمند حکم دادگاه نبوده و به صرف اعلام اراده صاحب حق واقع می‌شود و حکم دادگاه تنها جنبه اعلامی دارد (ماده ۴۴۹ ق.م.ا).

با این وجود در نظام حقوقی ایران، جهت احراز حق فسخ قاعده نقض اساسی قرارداد وجود ندارد و در موردی که حق فسخ مطابق قانون برای یک طرف قرارداد ایجاد می‌شود، تفاوتی بین نقض اساسی و جزئی وجود ندارد. ماده ۳۹۶ قانون مدنی با ذکر انواع خیرات مواردی را که طرفین قرارداد می‌توانند در صورت تخلف طرف دیگر آن‌ها را اعمال کنند و یک جانبه عقد را بر هم زنند، می‌شمارد. از میان این خیرات، خیراتی را که می‌توان به علت عدم انطباق مبیع با قرارداد به جهتی از جهات از آن‌ها استفاده نمود به قرار ذیل بوده که بررسی تفصیلی آن‌ها خارج از حوصله این بحث می‌باشد: ۱- خیار تخلف از شرط. ۲- خیار رویت و تخلف از وصف. ۳- خیار عیب. ۴- خیار تدلیس. ۵- خیار تبعض صفقه (رمضانی، مشهدی، ۱۳۹۴: ۸۵).

شاید بتوان دلیل این تفاوت را در مبنای خیار فسخ در دو نظام حقوقی جستجو: کرد به این توضیح، که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا اختیار فسخ زمانی برای طرف، به وجود می‌آید که نقض اساسی می‌باشد و فسخ برای ممانعت از ورود آنچنان خسارتی است که در اثر محروم ماندن طرف قرارداد از آنچه به موجب قرارداد انتظار داشته عاید او گردد، پیش بینی شده است. به عبارت دیگر فسخ برای دفع یا رفع ضرر است (قاعده لاضرر). در صورتی که به نظر می‌رسد در حقوق ایران، غالباً خیار بر مبنای احترام به مفاد تراضی اصل حاکمیت اراده بنا نهاده شده باشد. لذا، نیازی ندارد که از نقض تعهد (اعم از نقض اساسی یا جزئی) خسارتی حاصل شود. بلکه به محض نقض تراضی در موارد مصرح قانونی به دلیل نقض شرایط ضمنی مانند (شرط سلامت، شرط صحت، حسن نیت، و) طرف متضرر حق فسخ پیدا می‌کند (شعاریان، ۱۳۹۶: ۴۵).

ضرر ناشی از فسخ قرارداد در حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

ضرر را ضد نفع و به تعبیری از دست دادن یکی از مواهب حیات دانسته‌اند و ضرر اعم است از ضرر ناشی از لطمه مشروع و ضرر قابل جبران و ناشی از لطمه نامشروع.

ضرر قابل جبران، لطمه نامشروعی است که شخصی به دیگری وارد می‌سازد. به دلیل همین نامشروع بودن ضرر، عدالت و نظم ایجاب می‌کند که تمام ضررهای وارده به زیان دیده جبران شود. جبران خسارت یکی از واکنش‌های موجود در مقابل نقض تعهدهای قراردادی است ضمانت اجرا زمانی می‌توان موثر دانست که تمامی آثار تجاوز به حق را برطرف نماید. بنابراین جبران خسارت زمانی می‌تواند ضمانت شود اجرای موثر برای تعهد باشد که تمامی خسارت‌های ناشی از نقض عهد را برطرف سازد.

بر این اساس قاعده جبران کامل خسارات در ابتدا امری بدیهی معقول و اساسی به نظر می‌رسد منتها باید دانست که این مطلب به ظاهر بدیهی از جهت مفهوم و مبنا دربردارنده حجم زیادی از سوالات و ابهامات است چنانکه از جهت مفهوم کامل بودن امری نسبی محسوب می‌گردد زمانی می‌توان چیزی را کامل دانست که آن چیز یا ملاکی سنجیده شود برای مثال وقتی می‌توان عملیاتی ساختمانی را کامل ارزیابی نمود که تطابق آنچه ساخته شده یا نقشه و طرح‌های ساختمان همخوانی داشته باشد. بنابراین در جبران خسارت نیز اولین نکته یافتن ملاکی برای سنجش کامل بودن یا کامل نبودن جبران خسارت است در ضمان قهری هدف از جبران خسارت قرار دادن زیان دیده در وضعیتی است که قبل از فعل زیانبار داشته است اگر بتوان آثار سو فعل زیانبار بر حقوق و دارایی زیان‌دیده را برطرف کرده و به شکلی که موقعیت او به وضعیت قبل از وقوع فعل زیانبار بازگردد می‌توان گفت که خسارت به طور کامل جبران شده است (سماواتی، ۱۳۹۶: ۷۴).

در مسئولیت قراردادی نیز مفهوم دقیق اصل جبران کامل خسارت به این سوال بازمی‌گردد که هدف از جبران خسارت قراردادن زیان‌دیده در چه وضعیتی است؟ آیا هدف این است که زیان دیده در وضعیتی قرار گیرد که قبل از انعقاد قرارداد داشته است؟ یا هدف این است که زیان دیده در وضعیتی قرار گیرد که در صورت عمل به تعهدات قراردادی در آن وضعیت قرار می‌گرفته است؟

اگر فعل زیانبار انعقاد قرارداد باشد می‌توان انتظار داشت که جبران خسارت به معنی بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالت قبل از انعقاد قرارداد باشد گاه چنین است و فعل زیانبار نفس انعقاد قرارداد است نظیر مورد قرارداد منعقد شده باطل است حال اگر بتواند مسئولیت بطلان را به عهده یکی از طرفین بار نمود مانند زمانی که فروشنده آنها بدون اطلاع خریدار متعلق به غیر را فروخته باشد مقصر باید خسارت طرف دیگر را جبران کند در این حالت منظور از جبران کامل خسارت قرار دادن زیان دیده در وضعیتی است که قبل از وقوع فعل زیانبار یعنی انعقاد قرارداد داشته است اما اگر نفس قرارداد فعل زیانبار باشد قرارداد به شکل صحیح و معتبر منعقد شده باشد و فعل زیانبار نقض تعهد قراردادی باشد هدف از جبران خسارت و برطرف ساختن آثار فعل زیانبار یعنی نقض عهد است در این حالت برای اینکه خسارت به شکل کامل شود باید زیان دیده در وضعیتی قرار گیرد که گویا به قرارداد و تعهد قراردادی عمل شده است (هانو، ۲۰۱۹: ۹۸).

اگرچه ممکن است نوع حمایت و ضمانت اجرایی که برای تعهد قراردادی در نظر گرفته می‌شود در همه نظام‌ها یکسان نباشد اما وقتی یک قرارداد واقع می‌شود موقعیت جدیدی به وجود می‌آید که در تمام نظام‌های حقوقی محترم و مورد حمایت شمرده می‌شود چنانکه در فقه امامیه بر اساس آیه شریفه «یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود...» عمل به تعهدات قراردادی الزامی، اخلاقی و مذهبی محسوب می‌شود. در حقوق ایران و در ماده ۲۱۹ ق.م. به تبع فقه امامیه و با الهام از ماده ۱۱۳۴ ق.م. فرانسه، طرفین قرارداد ملتزم به مفاد آن می‌باشند. ماده ۱۱۳۴ ق.م. فرانسه قرارداد را قانون بین طرفین دانسته و به این شکل بر الزام آور بودن آن تاکید نموده است. این که تعهد قراردادی مورد حمایت نظام‌های حقوقی است اصلی بدون خدشه می‌باشد؛ چرا که به موجب قرارداد برای اطراف آن حقوق و مزایای مالی و غیرمالی ایجاد می‌گردد. حقوق مالی ایجاد شده جزئی از دارایی طرف قرارداد است و همانند هر مال دیگر ممکن است خود منشا درآمد و منافع مالی جدید گردد. نقض عهد در این حالت فعل زیانباری است که به این موقعیت مشروع و مورد حمایت لطمه وارد می‌سازد برای اینکه خسارت به شکل کامل جبران شود باید وضعیت زیان دیده به شرایطی باز گردد که قبل از نقض عهد از آن برخوردار بوده است یعنی به وضعیتی که قرارداد قوت خود را حفظ کرده و متصور است که تمام حقوق و مزایای ناشی از آن درپرتو عمل به تعهدات حاصل شود بازگرداندن

وضع زیان‌دیده به وضعیت قبل از انعقاد قرارداد جبران کامل خسارت او نخواهد بود. زیرا در این حالت مزایایی که قرار بوده به شکل مشروع از قرارداد برای او حاصل گردد نادیده گرفته می‌شود. بنابراین علاوه بر اعطای تمامی منافع و مزایای مالی که انتظار آن می‌رفته تا پس از اجرای قرارداد برای متعهدله حاصل گردد، برطرف ساختن تمامی لطماتی که به دلیل نقض عهد به او وارد آمده نیز برای تحقق مفهوم جبران خسارت ضروری به نظر می‌رسد. منتها بایستی همواره این مهم را مد نظر قرار داد که نباید جبران خسارت منجر به این می‌شود که زیان دیده در موقعیت بهترین موقعیت قرار گیرد اگر به تعهدات عمل می‌شد از آن برخوردار می‌گشت آنچه بیان کرد به عنوان جنبه‌های مثبت و منفی اصل جبران کامل خسارت ناشی از نقض عهد مشهور گردیده است و این مهم دلالت می‌نماید که تمیز مسئولیت قراردادی از مسئولیت خارج از قرارداد در میزان شکل جبران خسارت موثر است و مفهوم اصل و جبران کامل خسارت در هر یک متفاوت با دیگری است بنابراین در هر مورد معلوم شد که کدام یک از این مسئولیت مدنظر قرار گرفته است در هر چند که در ابتدا ملاک تشخیص این دو ساده به نظر می‌رسد اگر تعهد به نحوه صحیح شکل گرفته باشد و فعل زیانبار سبب نقض تعهد صحیح قراردادی گردیده باشد با مسئولیت قراردادی در صورتی که قرارداد از ابتدا باطل باشد و فعل زیانبار نفس انعقاد باشد با مسئولیت قراردادی در صورتی که قرارداد از ابتدا باطل باشد و فعل زیانبار نفس انعقاد قرارداد باشد با مسئولیت ناشی از بطلان قرارداد مواجه می‌گردیم به رغم اصولی اساسی بودن ملاک تشخیصی که بیان گردید تمسک به ملاک مزبور همواره کارساز نمی‌افتاد چرا که مواردی نیز وجود دارد که تشخیص این نکته که نوع مسئولیت در آنها کدام یک از این قرار داد یا ناشی از عدم اعتبار قرارداد است دشوار و نیازمند تجزیه و تحلیل فراوان می‌باشد که نظر عدم ارتباط مستقیم به موضوع رساله از طرح و بررسی آن اجتناب می‌گردد (صفایی، عادل، ۱۳۹۷: ۷۴).

اراده قانونگذار اراده اشخاص دو عامل بسیار مهم در ایجاد تعهدات مسئولیت‌ها آثار حقوقی هستند در ایجاد این آثار حقوقی آنچنان ارتباط تنگاتنگ و چندبعدی با یکدیگر دارند که به دشواری می‌توان امری و به طور کامل تابع اراده قانونگذار تابع اراده صرف اشخاص دانست در اکثر موارد امور به شکل نسبی تا حدی تابع اراده قانونگذار و تا حدی تابع اراده اشخاص هستند. در رابطه با مسئولیت قراردادی نیز قضیه به همین شکل است و بی‌فایده و ذهنی خواهد بود اگر با صرف نظر کردن از واقعیت‌ها مسئولیت قراردادی به طور کامل ناشی از اراده قانونگذار و یا ناشی از اراده طرفین در نظر بگیریم ضمانت‌اجراهای تعهدات قراردادی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

ضمانت‌اجراهای قانونی و ضمانت‌اجراهای قراردادی به طور معمول در قراردادهایی که منعقد می‌نمایند نهایت دقت و تلاش خود را بر مشخص و معین ساختن تعهدات قراردادی متمرکز می‌سازد و کمتر به این مسائل می‌پردازند که اگر به تعهدات عمل نشود با متخلف به چه نحو باید برخورد شود از مهمترین دغدغه‌های قانونگذار ترسیم طیف واکنش‌هایی است که مانع نقض عهد می‌شود و حق متعهدله را در صورت مواجهه با نقض عهد تضمین می‌نماید واکنش‌هایی مانند الزام به انجام تعهد، حق حبس، حق فسخ، حق ارض و... در مقررات پیش‌بینی شده است.

ضمانت‌اجراهای قانونی و ضمانت‌اجراهای قراردادی مجموعه‌ای بدون ارتباط و منقطع با یکدیگر نمی‌باشد چرا که از یک طرف به طور معمول مقررات در خصوص ضمانت‌اجرای قانونی امره نمی‌باشد و طرفین می‌تواند پاره‌ای از این ضمانت‌اجراها را ساقط نموده یا به تغییر کیفیت و شرایط اجرای آنها بپردازند برای مثال ممکن است طرفین کل یا برخی از خیارهای فسخ خود را ساقط کنند یا موارد و شرایط اعمال خیار را با دقت بیشتری مشخص کنند. نمونه بارز این ارتباط تنگاتنگ میان

اراده قانونگذار و اراده اطراف قرارداد وجه التزام می باشد (مسئولیت قراردادی در بسیاری از نظام ها ضمانت اجرایی قانونی محسوب می گردد منتها با این تفاوت که طرفین قرارداد هم می توانند میزان این مسئولیت را بین خود به شکل قراردادی تثبیت نمایند) از طرف دیگر برخی از ضمانت اجراها که در مقطعی از زمان در جرگه ضمانت اجراهای قراردادی بوده اند و متعاقب تشخیص مفید بودن آنها از ناحیه قانونگذارها وارد قانون گردیده و به مجموعه ضمانت اجراهای قانونی اضافه گردیده اند و کارایی نظام قانونی تضمین انجام تعهد را به این شکل مضاعف ساخته اند. مسئولیت قراردادی در ایران چنین تاریخچه ای داشته است در قانون مدنی ایران مسئولیت مدنی ضمانت اجرایی قراردادی بوده است همانطور که در ماده ۳۹۷ قانون پیش بینی شده است ممکن است که خریدار متعهد شود که برای تادیه ثمن ضامن و یا رهن بدهد همچنین به موجب ماده ۲۲۱ این قانون ممکن است در قرارداد پیش بینی شده باشد متعهد عهدشکن موظف به جبران خسارت باشد بنابراین قانون مدنی مسئولیت قراردادی بیشتر ضمانت اجرایی قراردادی و تنها پیشنهادی به طرفین قرارداد بوده است البته وضعیت به همین شکل باقی نماند چرا که با نگارش قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۱۸ قضیه تغییر کرد و به موجب مواد ۷۲۷ و ۷۲۸ قانون مسئولیت قراردادی وارد ضمانت اجراهای قانون گردید با وجود این هنوز هم این ضمانت اجرای قانونی تحت کنترل اراده است طرفین می توانند مسئولیت خود را محدود به نوع خاصی از خسارت کنند و می توانند میزان مسئولیت قراردادی را به شکل قاطع تعیین نمایند یا اینکه کل این مسئولیت را از بین ببرند (رمضانی، مشهدی، ۱۳۹۴: ۴۱).

قاعده عملی این بحث در جواب به این سوال مشخص می شود که تا چه اندازه لازم است که مسئولیت قراردادی و مقدار آن در محدوده قصد مشترک طرفین قرار بگیرد.

اگر مسئولیت قراردادی یک واکنش باشد به نحوی که در ماده ۲۲۱ ق.م.مقرر شده است طبیعی است که این مسئولیت همچون مابقی امور قراردادی تابع اراده طرفین باشد و آن هم تا حدی که به شکل صریح یا ضمنی نموده است با این فرض مسئولیت قراردادی شامل خساراتی نخواهد بود که در محدوده قصد مشترک طرفین نگنجد است. در این فرض، اصل جبران کامل خسارت مفهومی ۱۰۰ درصد قراردادی به خود می گیرد. با این حال چنانچه مسئولیت قراردادی دارای ضمانت اجرای قانونی باشد که در حال حاضر این گونه است ضرورت کامل بودن ضمانت اجراها ایجاب می نماید که تمامی خسارت جبران شود تا آثار نقض عهد به طور کامل بر طرف شود و حق به طور کامل تضمین گردد در این فرض اهمیتی ندارد که طرفین میزان مسئولیت خود را پیش بینی کرده اند یا نه و اهمیتی ندارد که جبران این میزان مسئولیت در محدوده قصد مشترک طرفین قرارداد می گیرد یا خیر در این دیدگاه حداکثر نقشی که برای آن قائل شد این است که خلاف مقررات تکمیلی توافق کنند و آن را ساقط یا محدود نمایند. بنابراین آنچه باید در محدوده قصد صریح یا ضمنی طرفین بگنجد و به اثبات برسد سقوط یا محدود شدن جبران خسارت و عدول از اصل جبران کامل خسارت است و لازم نیست ایجاد مسئولیت قراردادی یا کامل بودن جبران خسارت مورد توافق صریح یا ضمنی طرفین قرار گیرد. چنان که بیان گردید در مقابل نقض عهد ممکن است متعهد له واکنش های مختلفی نظیر فسخ قرارداد الزام به انجام عین تعهد، تعلیق انجام تعهد، مطالبه خسارت و گاه نیز پیش از یک ضمانت اجرا را برگزیده و اعمال نماید. برای مثال ممکن است متعهد له همزمان آن انجام عین تعهد را به همراه خسارت تاخیر انجام تعهد مطالبه نماید این عقد رافسخ کرده و به مطالبه خسارت نیز پردازد (هانلد، ۲۰۱۸: ۴۵).

ضرورت کامل بودن مجموعه ضمانت اجراها مطرح نبوده و اهداف مجازات در حقوق خصوصی ضرورت احترام به موقعیت مشروعی که طرفین از قراردادی صحیح به دست می آورند ایجاب می نماید که لطمه ای جبران نشده باقی نماند و در عین حال

موقعیت زیان‌دیده بعد از اعمال واکنش‌های مختلف قانونی بهتر از حالتی نگردد که در صورت عمل به تعهد از آن برخوردار می‌شده است.

در فقه امامیه که باید آن را به عنوان پیشینه و پشتوانه قانون مدنی حقوق سنتی ایران در نظر گرفت اگرچه مباحث زیادی به قراردادها اختصاص پیدا نموده اما بیشتر از این مباحث ناظر بر انعقاد، اثار و انحلال قراردادها بوده و بخش کوچکی از مباحث فقهی آن هم به شکل پراکنده به ضمانت اجرای تعهدات قراردادی اختصاص یافته است و به طور خلاصه اتکای اصلی فقه امامیه در تضمین تعهدات قراردادی به اجبار به انجام عین تعهد است. لیکن نویسندگان قانون مدنی به برطرف کردن این نقیصه پرداخته و مسئولیت قراردادی را به جمع ضمانت اجرای عدم انجام تعهد اضافه نموده اند. اما آنچه در خصوص مسئولیت قراردادی وارد قانون مدنی شده است مختصرتر از آن است که بتواند تمام ابهام‌های موجود و برطرف سازد چرا که به جز ماده ۲۳۰ ق.م.چه در خصوص وجه التزام است و هیچ راهنمای و ارشادی در تعیین میزان خسارت در قانون مدنی وجود ندارد اگرچه مواد ۷۲۷ و ۷۲۸ ق.آ.د.م سابق و ماده ۵۲۰ ق.آ.د.م جدید اندکی از این ابهام‌ها کاسته است.

نتیجه گیری

با تحقیقات گسترده و بررسی تطبیقی که نگارنده در این زمینه انجام داده است، خلاهایی در خصوص تعریف و پیش بینی آثار فسخ بیع در حقوق مدنی مشاهده نموده است، بطوری که در مواد قانونی بصورت صریح بدان اشاره نشده است که خود می‌تواند موجب زایل شدن حقی در روند معاملات گردد، اما از سویی دیگر در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و اصول قراردادها مواد قانونی ۸۱ الی ۸۴ به آثار فسخ قرارداد پرداخته است که در آن مهمترین آثار فسخ بیع انحلال قرارداد و استرداد عوضین می‌باشد. به هر کدام از این مواد ریال استثنائات و متفرعاتی وارد شده است؛ از جمله در خصوص انحلال قرارداد کنوانسیون بیع بین المللی کالا تصریح دارد که: «فسخ قرارداد تاثیری در مقررات آن قرارداد که برای حل و فصل دعاوی وضع گردیده یا هر گونه مقررات دیگر قرارداد که حاکم بر حقوق و وظایف طرفین قرارداد که ناشی از فسخ قرارداد است ندارد.» همچنین در بحث استرداد عوضین مقرر نموده اگر خریدار قادر به استرداد کالا در همان وضعیتی که آنرا دریافت نموده نباشد حق فسخ بیع را از دست خواهد داد.

در همین زمینه کنوانسیون بیع بین المللی کالا استثنائاتی را نیز وارد نموده و در نهایت به استرداد منافع پرداخته که خریدار ملزم به استرداد کالا و منافع آن و بایع ملزم به استرداد ثمن و بهره‌ی آن از روز تادیه است. از سوی دیگر در حقوق مدنی ایران، قانونگذار مواد خاصی را به آثار فسخ اختصاص نداده است. به طور کلی در مواد گوناگونی که به فسخ قرارداد می‌پردازد می‌توان از جمله آثار فسخ همان انحلال قرارداد و استرداد عوضین دانست.

تفاوتی که حقوق ایران با کنوانسیون بین المللی و اصول قراردادها دارد این است که در حقوق ایران بر خلاف نظام‌های مذکور آثار فسخ از زمان انشا فسخ قرارداد پدیدار می‌شود نه از زمان عقد آن، بنابراین تا روز فسخ، قرارداد تمامی آثار خود را به جا می‌گذارد لذا استرداد منافع از روز فسخ است و تفاوت عمده دیگر در این است که در حقوق مدنی ایران تلف، نقصان و یا انتقال کالا مانع فسخ نیست مگر در مورد خیار عیب. این موضوع در حالی است که در کنوانسیون

بیع بین‌المللی کالا در ماده ۸۲ اگر خریدار قادر به استرداد کالا همان وضعیتی که آن را دریافت نموده نباشد حق فسخ قرارداد را از دست خواهد داد.

منابع

- اخلاقی، بهروز، امام، فرهاد، (۱۳۹۵). اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، چاپ دوم، شهر دانش، تهران.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۳). حقوق مدنی، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات اسلامیه
- امینی، سید ابراهیم (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی شیوه پرداخت و تعیین ثمن در حقوق ایران، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۴: ۲۳-۳۹.
- بیات، فرهاد (۱۳۹۶). شرح جامع حقوق مدنی، تهران: انتشارات ارشد
- بابائی، ایرج (۱۳۹۴). نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران، نشریه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۶: ۸۳-۴۵
- ثمره، روح الله و محمدی، گلناز (۱۳۹۶). اصول حاکم بر بیع کالا و قراردادهای بین‌المللی در حقوق ایران و بین‌الملل با تاکید بر کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، همایش بین‌المللی حقوق و فقه اسلامی، تهران
- داراب پور، مهراپ (۱۳۹۴). ترجمه تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، تهران: انتشارات گنج دانش
- رضائی، پونه؛ مشهدی، علی (۱۳۹۴). آثار تسلیم مبیع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق
- رضائی نوری، محمود (۱۳۷۳). فرهنگ حقوقی مدنی، چاپ اول، تهران
- سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۹۶). حقوق معاملات بین‌المللی، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس
- شعاریان، ابراهیم؛ رحیمی، فرشاد (۱۳۹۳). حقوق بیع بین‌المللی، تهران: انتشارات شهر دانش
- شعاریان، ابراهیم (۱۳۹۶). حقوق تعهدات، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۶
- صفایی، میرحسین، عادل، مرتضی، کاظمی، محمود، میرزائزاد، اکبر (۱۳۹۷). حقوق بیع بین‌المللی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فخرآبادی، مریم و سربازیان اسفندآبادی، مجید (۱۳۹۹). ضمانت اجرای عدم ایفای تعهد در کنوانسیون بیع بین‌المللی، پنجمین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان
- قدیریان، معصومه؛ باشکو، مظفر (۱۳۹۹). بررسی فسخ قرارداد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی با اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، فصلنامه پژوهش‌های اخلاق، شماره ۱
- میرزائزاد جویباری، اکبر (۱۳۹۲). فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران، مجله دفتر حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹
- Bonell, M. J. (2017). International Investment Contracts and General Contract Law: a Place for the UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts, Available, at: www.Heinonline.org, Accessed: 2017/1/26
- Honnold. john. (2018) uniform law for international sales under the 1980 United Nations Convention, p313.2ed kluwer law international, available at, <http://www.cisg.law.pace.edu /cisg/biblio/honnold.html>

- Kritzer, Albert (2021), Guide to practical applications, of the united Nation convention on contracts for the international, sale of goods.
- Lando O & Beale (2019). The Principles of European Contract Law; Prepared by the Commission on European Contract Law, Kluwer Law International, The Hague.
- Saidov, D. (2019). the present state damages under the CISG: A CriticalAssessment,Available,at:<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/bIblio/saidov6.html>,